

دیپلمات سابق جمهوری اسلامی و «دلایل شکست سیاست گفت و گو با ایران»

حسین موسویان، از دیپلمات های سابق در هیات مذاکره کننده ایران در مورد بحران هسته ای که چند سال پیش به آمریکا مهاجرت کرده و اکنون جزو پژوهشگران دانشگاه «پرینستون» است، در تحلیلی برای هفته نامه «فارس» دیدگاه های خود را در مورد دلایل شکست سیاست گفت و گو با ایران و راه حل ها برای برطرف کردن این مشکل را ارائه می دهد.

وی در مقدمه مطلب خود می نویسد که در سیاست خارجی ایران همواره دو دیدگاه عمل می کرده، دیدگاهی که معتقد است ایران و آمریکا از طریق مذاکره می توانند به نوعی توافق برسند و دیدگاه دیگری که معتقد است آمریکا قابل اعتماد نیست. با اعمال تحریم های جدید و کنارگذاشتن سیاست گفت و گو عملاً آمریکا ثابت کرده که دیدگاه دوم در سیاست خارجی حکومت ایران حقانیت دارد.

او هشدار می دهد که سرمایه گذاری روی اختلاف نظرهای احتمالی بین مقامات ارشد ایران، دولت آمریکا را گمراه خواهد کرد چون مثل هر کشور دیگری سیاستمداران ایرانی نیز در مقابل اعمال نفوذ و تعرض یک قدرت خارجی اختلافات خود را کنار می گذارند.

حسین موسویان با اشاره به سوابق کار خود در نهادهای مهم مربوط به امنیت ملی و سیاست خارجی، خاطر نشان می کند که قریب به سی سال از مباحث مربوط به این دو دیدگاه در میان رهبران حکومت ایران با خبر بوده است. اولین تجربه شخصی او در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی و مسئله آزادی گروگان های غربی در لبنان بود.

به نوشته وی، جرج بوش پدر در آغاز ریاست جمهوری خود، پیام هایی برای تجدید یا بهبود مناسبات به ایران فرستاد و به اکبر هاشمی رفسنجانی رییس جمهور وقت ایران پیشنهاد کرد که اگر ایران گروگان های غربی را در لبنان آزاد کند در مقابل آمریکا اقدامات دوستانه ای در مورد ایران انجام خواهد داد.

حکومت ایران در مقابل خواستار بازگرداندن میلیاردها دلار دارایی های مسدود شده ایران توسط آمریکا و آزادی «شیخ عبدالکریم عبید» رهبر وقت حزب الله لبنان شد.

در زمان مذاکرات مربوط به گروگان های غربی در لبنان، دو دیدگاه اصلی در میان حکومت گران ایران در مقابل هم قرار گرفتند. هاشمی رفسنجانی معتقد بود که چنین توافقی می تواند زمینه را برای اعتماد سازی در تجدید مناسبات با آمریکا فراهم کند ولی آیت الله خامنه ای رهبر ایران هشدار می داد که اعتماد به آمریکا ساده لوحی است. آیت الله خامنه ای در آن زمان نیز همچون امروز معتقد بود که تنها هدف آمریکا تغییر رژیم در ایران است.

حسین موسویان سپس یادآوری می کند که دولت ایران در نهایت تصمیم گرفت که گروگان های غربی را در لبنان آزاد کند ولی دولت آمریکا نه اموال مسدود شده ایران را برگرداند و نه رهبر وقت حزب الله را آزاد کرد.

با وجود تمام این تجربه های منفی، آیت الله خامنه ای از اقدامات هاشمی رفسنجانی و در سال های بعد از اقدامات محمد خاتمی رییس جمهور بعدی ایران برای کاهش تنش با غرب جلوگیری نکرد.

به عنوان مثال ایران معاهدات مربوط به منع تولید و نابود کردن سلاح های شیمیایی و بیولوژیک را پذیرفت. ایران برای دوره ای تقریباً دو ساله با اقدامات آمریکا برای شکست طالبان در افغانستان همکاری کرد. و در سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ ایران در همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی اجازه داد از مراکز نظامی متعددی در کشور بازرسی شود و پروتکل الحاقی پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای را نیز پذیرفت.

به گفته این دیپلمات سابق جمهوری اسلامی، با وجودی که ایران در این سال ها گام های موثری برای رفع تنش برداشت

ولی آمریکا و غرب همواره ایرادها و شروط جدیدی را مطرح می کردند. نمونه آن شک و تردید در مورد نیت برنامه های هسته ای ایران، موضع ایران در قبال اسراییل و یا واکنش های ایران به تسلط نظامی آمریکا بر منطقه بود. دولت آمریکا به جای پاسخ دادن به گام های مثبت ایران بر شدت تحریم ها علیه ایران و تلاش برای انزوی آن کشور افزود.

حسین موسویان نتیجه می گیرد که این رفتار آمریکا موجب تعجب آیت الله خامنه ای نشد. در تمام این مدت وی با مذاکرات مستقیم با آمریکا مخالفت کرده و تاکید می کرد که آمریکا می خواهد از موضع قدرت و با اعمال فشار ایران را به تسلیم وادار کند. واکنش های خصمانه آمریکا و غرب به آنچه که از نظر رهبران ایران سیاستی میانه رو تلقی می شد در نهایت باعث شد که تدریجاً در سیاست داخلی ایران برتری پیدا کرده و زمینه برای قدرت گیری جناح احمدی نژاد را فراهم کرد.

با نگاهی به گذشته به سختی می توان تک تک گام ها و اقدامات دو طرف را که به وخامت روابط انجامید برشمرد و تحلیل کرد، اما غرب و به طور مشخص دولت آمریکا در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی فرصت های بسیار خوبی را برای تجدید مناسبات با ایران از دست داد. شکی نیست که هر دو طرف می بایست به تغییر جهت در مناسبات تعهد بیشتری نشان می دادند.

حسین موسویان در ادامه تحلیل خود در وب سایت «فارس» به اقدامات باراک اوباما از جمله سخنرانی ها و پیام های وی در ماههای اول ریاست جمهوری اش برای تجدید مناسبات با ایران اشاره کرده و می نویسد با وجودی که رهبران ایران به توانایی باراک اوباما در حل معضلات و خصومت های قدیمی تردید داشتند ولی در نیت شخص او شک نکردند. به همین خاطر رهبران ایران تصمیم گرفتند این فرصت را آزمایش کرده و به احمدی نژاد اختیار بیشتری دادند که مناسبات با آمریکا را مدیریت کند.

احمدی نژاد با وجود همه شعارهای افراطی اش پیشنهادات و اقدامات مهمی برای آغاز گفت و گو با آمریکا انجام داد. طبق گفته های محمد البرادعی، رییس سابق آژانس بین المللی انرژی اتمی، رییس جمهوری ایران پیشنهاد مذاکرات مستقیم و بدون قید و شرط با دولت آمریکا را مطرح کرد و حتی توافق کرد که در افغانستان و سایر نقاط به آمریکا کمک کند. اما باراک اوباما هیچ پاسخی نداد.

حسین موسویان یادآوری می کند که تقریباً تمام غربی ها، ایران را مسئول وخامت در روابط دو طرف می دانند و نمونه برجسته آن را مذاکرات هسته ای پاییز سال ۲۰۰۹ ذکر می کنند. اما به فاصله کوتاهی پس از آن گفت و گوها، ایران از طریق محمد البرادعی اعلام کرد که حاضر است مستقیماً با آمریکا مذاکره کند. واشینگتن این پیشنهاد را رد کرد. بعد از آن مذاکرات استانبول انجام شد که ایران با میانجیگری برزیل و ترکیه حاضر شد برنامه های هسته ای خود را با جامعه بین المللی هماهنگ کند. ولی آن طرح نیز از سوی آمریکا رد شد.

در پاییز سال ۲۰۱۰ برای اولین بار دولت آمریکا نشانه ای از احتمال توافق نشان داد. هیلاری کلینتون، وزیر خارجه آمریکا، در مصاحبه ای با بی بی سی گفت که اگر ایران ثابت کند برنامه های هسته ای آن کشور شفاف و مسئولانه است می تواند به غنی سازی اورانیوم ادامه دهد. پس از آن ایران گام های دیگری برداشت از جمله معاون وزیر خارجه ایران در کنفرانسی در سال ۲۰۱۱ در سوئد، از معاون وزیر خارجه آمریکا در امور افغانستان و پاکستان دعوت کرد تا برای مذاکرات مستقیم به تهران سفر کند. اما واشینگتن این پیشنهاد را رد کرد.

محمود احمدی نژاد در جریان سفر ماه سپتامبر سال ۲۰۱۱ به نیویورک ضمن اعلام خبر آزادی دو کوهنورد آمریکایی گفت اگر آمریکا اورانیوم با غلظت ۲۰ درصد را در اختیار ایران قرار دهد ایران طرح تولید آن را متوقف خواهد کرد. این اقدامی بزرگ برای رفع بسیاری از نگرانی های غرب بود که نشان می داد ایران واقعا به دنبال غنی سازی اورانیوم با غلظت بالا نیست.

اما دولت آمریکا به این پیشنهاد نیز پاسخ رد داد و چند ماه بعد هم از تمام نفوذ خود استفاده کرد و به گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی در مورد ایران اتهامات جدید و بزرگی را افزود. اعمال تحریم های شدید علیه بانک مرکزی و صادرات نفت خام ایران، پیشنهاد قطعنامه ای برای محکومیت ایران به بهانه حمایت از تروریسم در شورای امنیت و طرح قطعنامه ای در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد اقدامات شدیدی هستند که آمریکا در ماه های اخیر علیه ایران انجام داده است.

حسین موسویان در پایان تحلیل خود نتیجه گیری می کند که این اقدامات آمریکا نشان می دهند که سیاست رفع تنش و تجدید مناسبات باراک اوباما شکست خورده است. در حقیقت همه این موارد در تایید نظریه آیت الله خامنه ای است که معتقد است هدف نهایی آمریکا تغییر رژیم در ایران است. درهای تجدید رابطه تقریباً بسته شده اند و اگر آمریکا می خواهد از فرصت های ناچیز باقی مانده استفاده کند باید صراحتاً و در عمل نشان دهد که هدف آن سرنگونی حکومت ایران نیست.

اما برای حرکت موثر و هدفمند به سمت تجدید مناسبات دو کشور ایران و آمریکا باید یک چهارچوب کاربردی شامل همه موارد اختلاف برانگیز از جمله برنامه هسته ای، امنیت در منطقه و نقش ایران را تنظیم کرده و به صراحت مشخص کنند هر یک حاضر هستند چه امتیازاتی داده و نتیجه این تفاهم برای هر یک از دو طرف چه خواهد بود. در یک چنین چارچوبی، ایران و آمریکا زمینه های همکاری فراوانی دارند، از وضعیت افغانستان گرفته تا مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر.

من به خوبی از خطراتی که وضعیت بحرانی فعلی می تواند در پی داشته باشد اطلاع دارم و معتقدم که هر دو حکومت باید در سیاست های خود تجدید نظر کنند. با وجود تمام هیاهوهای موجود در عرصه بین المللی که تنش در روابط ایران و آمریکا را منعکس می کند، من معتقدم که ضمن پذیرفتن حق مشروع ایران برای دستیابی به انرژی هسته ای دو طرف می توانند به یک توافق صلح آمیز دست یابند.

© 2013 تمام حقوق این وبسایت بر اساس قانون کپی رایت برای رادیو فردا محفوظ است.

http://www.radiofarda.com/content/f4_former_diplomat_iran_reason_fail_dialogue/24483581.html